

## برنامه‌ای برای هویت ملی

فردوس خجسته، دانشجوی دکتری برنامه‌داری



سند تحول بنیادین، هویت را برابند مجموعه‌ای از بینش‌ها، گرایش‌ها، اعمال و صفات آدمی می‌داند. از این رو، هویت نه تنها امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه حاصل تلاش و توفیق شخص و تا حدودی متأثر از شرایط اجتماعی است. برنامه‌داری یکی از مؤلفه‌های مهمی است که در تقویت هویت دانش‌آموزان، به‌ویژه هویت ملی آنان، نقش بسزایی دارد. برنامه‌داری فقط کتاب درسی نیست. هر آنچه در مدرسه باعث تغییر در رفتارها، نگرش‌ها و پندارهای دانش‌آموزان می‌شود، در دل برنامه‌داری جای می‌گیرد. برنامه‌داری و برنامه‌آموزشی هر دو را باید توأمان در نظر داشت و بین آن‌ها، به‌ویژه در این مقوله، فاصله‌ای نیست. آنچه ملاحظه می‌کنید، حاصل مصاحبه‌ای است که با دکتر حیدر تورانی، به‌عنوان متخصص مدیریت آموزشی، انجام شده است.

صحبت می‌کند، آهنگ صدای معلم، باور در صدای معلم، عشق معلم به کشور، از خودبیگانه نبودن معلم و باورش به آرمان‌های ملی بسیار راهگشا و اثربخش است. اما معلمی که خودش را باور نداشته باشد، تأثیر کلامش از دست می‌رود. روش تدریس معلم هم مهم است، چون اگر معلم به هویت ملی اعتقاد و باور داشته باشد ولی بلد نباشد آن را بیان کند و قادر نباشد برای بچه‌ها با مثال و شعر و داستان این مفاهیم را بیان کند، تأثیر کارش می‌کاهد.

آموزش و پرورش تقریباً معلم را رها کرده و بیشتر به کتاب‌های درسی دل خوش کرده است و می‌خواهد همه‌چیز را از طریق متن آموزش دهد. اگر ما صد صفحه در مورد موضوعی مثل مدافعان حرم یا شهدای جنگ تحمیلی بنویسیم، اما معلم به آن اعتقاد نداشته باشد، هیچ اتفاق خوبی نمی‌افتد و حتی ضد آن

گذاشت، بلکه بسیاری از ارزش‌ها را باید از طریق برنامه‌داری، برنامه‌های آموزشی و تربیتی و فرهنگی در دانش‌آموزان پرورش داده و نهادینه کرد. تقویت هویت ملی به نگرش و اقداماتی همه‌جانبه و سیستمی نیاز دارد و تنها از طریق کتاب‌های درسی شدنی نیست.

**نقش مدیر و معلم را چه اندازه در تقویت هویت ملی دانش‌آموزان مؤثر می‌دانید؟**

آن قدر که عملکرد معلم در کلاس به عنوان عنصری اثرگذار از اجرای برنامه‌داری در فهم مطالب تأثیر دارد، متن تأثیر ندارد. اگر از متن، انگیزه و آهنگ طنین‌انداز و دلنشین معلم را بگیرید، چیزی از آن باقی نمی‌ماند. اگرچه متن تأثیرگذار است، اما به‌تنهایی کارساز نیست. وقتی معلم سر کلاس از ایران و ایرانیست می‌گوید و از نمادهای ملی

**کتاب‌های درسی در رشد و پایداری ارزش‌های هویت ملی در دانش‌آموزان چه نقشی دارند؟**

در سطح مدرسه، کتاب‌های درسی به‌عنوان یکی از اجزای مهم برنامه‌داری، نقش پررنگی در هویت‌بخشی دارند. کتاب‌های درسی را می‌توان اولویت‌بندی کرد، چرا که بعضی کتاب‌ها مثل تاریخ، علوم اجتماعی و ادبیات و شعر، زبان فارسی، خانواده و سبک زندگی، محیط زیست، تفکر و پژوهش، کار و فناوری تأثیر بیشتری دارند. کتاب‌های درسی در همه کشورهای ما، هنوز هم در تقویت هویت ملی دانش‌آموزان نقش بی‌بدیلی دارند، زیرا بخش عمده‌ای از زمان رسمی حضور دانش‌آموزان در مدرسه و کلاس درس را پوشش می‌دهند و بر افکار آن‌ها تأثیر می‌گذارند. کتاب درسی حجم محدودی دارد، نمی‌توان همه‌چیز را به صورت متن درآورد و در اختیار دانش‌آموز

## اگر زبان و فرهنگ محلی و قومی تقویت شود، هویت و انسجام ملی هم تقویت می‌شود

شود؛ هر جایی نمادهای ملی خودش را دارد. ما کشوری چندفرهنگی هستیم. باید به زبان و فرهنگ و قهرمانان منطقه و بوم خود هم توجه داشته باشیم. اگر زبان و فرهنگ محلی و قومی تقویت شود، هویت و انسجام ملی هم تقویت می‌شود. داشتن فرهنگ‌های چندگانه، فرهنگ‌های منطقه‌ای و ارزش‌گذاری به این فرهنگ‌ها هویت ملی را در کل می‌سازد. داشته‌های ما برای غنا بخشیدن به قوام و انسجام فرهنگ‌ها در کشور بسیار فراوان است و می‌توانیم به خوبی در نظام آموزشی‌مان آن را توسعه دهیم و تحکیم بخشیم. خیلی وقت‌ها بچه‌ها خیلی چیزها را نمی‌دانند. مثلاً فکر می‌کنند همه چیز خوب در آن‌سوی مرزهاست. باید به دانش‌آموزان واقعیت‌ها را گفت. علم و آگاهی را فقط از طریق کتاب نمی‌توان آموخت. به دانش‌آموزان بیاموزیم که آن خانه زیباست، اما خانه تو نیست. بدانند خیلی از ناملایماتی که در ایران هست، در کشورهای دیگر هم وجود دارد.

البته هویت ملی ما جدا از هویت اسلامی و هویت جهانی نیست. اگر چه بحث من در مورد هویت ملی است، اما توصیه می‌کنم در جایی و در مصاحبه‌ای به هویت اسلامی هم پرداخته شود؛ چرا که هویت ایرانی و اسلامی در هم آمیخته شده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد. هویت جهانی را هم نمی‌توانیم نادیده بگیریم؛ چون روی هویت ملی و دینی تأثیرگذار است. این هویت‌ها همه با هم در تعامل‌اند.

### ● و سخن آخر

هویت ملی را می‌توان از راه‌های دیگری غیر از برنامه‌درسی، مثلاً از طریق کارهای فرهنگی و اجرای درست عدالت‌سازمانی و اجتماعی هم تقویت کرد. در جامعه‌ای که در آن عدالت اجتماعی تهدید یا بسیار کم‌رنگ شده است، صحبت از هویت ملی و تقویت آن، به‌ویژه نزد نوجوانان و جوانان، بسیار دشوار و کم‌اثر است. وقتی در جامعه عدالت اجتماعی و در مدرسه عدالت سازمانی ضعیف یا کم‌رنگ می‌شود، بچه‌ها در کلاس درس سوالاتی می‌پرسند که معلم برایشان جوابی ندارد.

معلم و مدرسه به چه چیزهایی پاداش می‌دهند تا آن را انجام دهند. بنابراین بسیار تأثیرگذار است و به عنوان یک متغیر مستقل عمل می‌کند.

### ● چگونه می‌توان از فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ی مدرسه‌ها در راستای هویت‌بخشی به دانش‌آموزان کمک گرفت؟

ما در مدرسه فقط نباید از طریق آموزه‌های کتاب درسی دانش‌آموزان را هدایت کنیم. انجام فعالیت‌های پرورشی از قبیل اردو و بازدید در تقویت هویت ملی دانش‌آموزان بسیار مهم است. اینکه بچه‌ها را می‌بریم راهیان نور، مشهد و قم و مانند آن، بسیار هم خوب است، حال آنکه آرامگاه‌های **سعدی و حافظ و فردوسی**، و تخت جمشید، طاق بستان، بیستون، مسجد امام، سی‌وسه‌پل، و موزه‌ها را هم باید ببینند. باید بدانند که گذشته‌ای هم داشته‌اند. **باید ریزعلی فداکار، حسین فهمیده و محسن حججی** را با هم ببینند تا فکر نکنند که این جامعه و این مردم بدون هویت ملی بوده‌اند! اگر شما می‌بینید حججی هست، او فرزند همان ریزعلی فداکار است. سردار عزیز **شهید سلیمانی** به نوعی فرزند **رستم و آریوبرزن و آرش کمانگیر** است. اگر قله می‌بینیم، این کوهپایه‌ها هستند که آن را نگه داشته‌اند. ما باید به همه این‌ها با هم بپردازیم تا هویت ملی بچه‌ها بیشتر تقویت شود.

هویت ملی باید به عنوان یک اصل در مدرسه مورد توجه قرار گیرد. از جهاد و شهادت، و از ایران و نمادهای آن سرود بسازیم. مانند شعری که مرحوم **نوری** می‌خواند یا **سالار عقیلی**. هر کس گوش می‌کند تحت تأثیر قرار می‌گیرد و لذت می‌برد. در هر کدام از این برنامه‌ها باید به بوم مدرسه و به قهرمانان محلی توجه

ارزش می‌شود. یادمان باشد، معلم در بستر فرهنگی مدرسه زندگی می‌کند و این بستر فرهنگی بسیار مهم است. آموزش هم در بستر فرهنگ اتفاق می‌افتد و بستر فرهنگی و فرهنگ سازمانی در مدرسه بسیار کارساز است. گاهی معلم با باور و اعتقاد بسیار بالای هویتی خویش وارد مدرسه‌ای می‌شود که در آن بستر بی‌هویتی فراهم است. در اینجا نمی‌تواند از هویت ملی حرف بزند. در برخی مدرسه‌ها همه توجهات فقط به کنکور و مباحث علمی است یا جو مدرسه تحت تأثیر بچه‌های مرفه‌ای است که فرهنگی‌مآباند، و یا برعکس، بچه‌ها آن قدر دچار فقر فرهنگی و سوء تغذیه هستند که باز نمی‌توانند از هویت ملی حرف بزنند. بعضی مدرسه‌ها فقط به دانش و کنکور و قبولی در کنکور و المپیادهای علمی دل خوش کرده‌اند که اصلاً صحبت از هویت ملی و از این جور حرف‌ها برای آن‌ها معنی ندارد!

یادمان باشد، نمی‌توان هویت ملی را جدا از عدالت اجتماعی و عدالت سازمانی و فرهنگ عمومی کشور بررسی کرد و انتظار داشت فقط از طریق برنامه‌درسی محقق شود. اگر این‌ها را متمایز نکنیم، به غلط خیلی از موفق‌نبودن‌ها متوجه برنامه‌درسی و کتاب‌های درسی و در نهایت آموزش و پرورش می‌شود.

### ● نظام رایج ارزشیابی و پاداش‌دهی مدرسه‌های ما در تقویت هویت ملی دانش‌آموزان و همچنین معلمان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ارزشیابی بسیار مهم است، چون دانش‌آموزان آن‌گونه یاد می‌گیرند که ارزشیابی می‌شوند. این ارزشیابی است که به دانش‌آموز می‌گوید چه چیزهایی را بخوان و به چه نکاتی توجه کن. اگر در ارزشیابی، برای هویت ملی یا هر صفت و هر ارزش دیگری بها قائل شویم و به آن پاداش بدهیم، بچه‌ها به آن توجه می‌کنند. بنابراین، بچه‌ها داخل مدرسه آن‌گونه رفتار می‌کنند، آن‌گونه می‌اندیشند، آن‌گونه درس می‌خوانند و آن نوع تغییرات را در خود ایجاد می‌کنند که برای آن ارزشیابی می‌شوند و پاداش می‌گیرند. دانش‌آموزان نگاه می‌کنند که